

سفرنامه

گل‌های سرخ اصفهان

اثر کلدانه

کلدانه سیاح فرانسوی (Claude Anet) در سال ۱۹۰۵ میلادی باتفاق ۵ نفر فرانسوی دیگر با اتومبیل از راه روسیه بایران می‌آید و تا اصفهان پیش میرود و در اصفهان مدتی توقف مینماید با توجه براینکه جاده های آنروز قفقاز و ایران آمادگی زیادی نداشته مسافرت با اتومبیل يك نوع شاهکار بشمار میرفته است و بهمین لحاظ میباشد که این سیاح فرانسوی عنوان کتاب خود را گل‌های اصفهان یا مسافرت ایران با اتومبیل از راه قفقاز و روسیه ، نام گذاشته است و اینک خوانندگان گرامی مجله وحید ترجمه مقدمه‌ای را که این جهانگرد فرانسوی بر کتاب سفرنامه خود نوشته است در این شماره ملاحظه میفرمایند امید است بتوان در شماره های آینده از این کتاب جالب قسمتهائی ترجمه نمایم و در دسترس خوانندگان قرار دهیم .

مقدمه

گل‌های سرخ اصفهان

خاطره يك مسافرت را انسان فقط بخاطر خودش می‌نویسد ولی مسافرت به شخص يك سرمستی دلنشینی می‌بخشد که نظیر آن کمتر در زندگی تحقق می‌یابد.

پیدا کردن مناظر تازه یکی پس از دیگری، گذشتن از شهرهای قدیمی که روزگاری آباد و معمور بوده‌است و امروزه بر آن خاک مرگ پاشیده شده و دیدن قیوبریکه روزی اندیشه‌های ژرف صاحبان آنها زینت بخش رواقها و طالارها بوده و امروزه جز سنگهای نامنظم چیز دیگری بچشم نمی‌خورد، یافتن بیابانها- سکوت عظیمی که در آنها حکمفرماست، جائیکه در روزگار های پیش مردمان زورمند در آنجا زندگی میکردند، بازم دورتر و بدون درنگ خود از میان زنده‌ها و خرابه‌ها و احساس اینکه چنین مناظری برای خوانندگان کمتر بچشم خورده و حتی در روپاهای خود آنها را نیافته‌اند واقماً چه خوشحالی زایدالوصفی بانسان دست میدهد.

من قیمت آنچه را که از نظرم مخفی مانده و بر صفحه خاطرات ننوشته‌ام احساس نمی‌کنم زیرا اغلب اوقات در مسافرت خود بعلت شیدائی زیادی که از دیدن مناظر برایم دست میداد و در تب سوزان شورو شوق میسوختم بعضی مسائل را نتوانسته‌ام بروی کاغذ بیاورم.

شاید این رمز سرمستی مسافرت ماست!

اما چطور میتوانم آنچه را دیده‌ام بوسیله کلمات منعکس سازم و تصویر

سازی نمایم.

من و همراهم تا مرکز ایران مسافرت کردیم و از نزدیک گلهای سرخ اصفهانرا چیدیم .

وسایل سفر ما چندان راحت نبود بجای اینکه برای رسیدن به باکواز راه آهن استفاده کنیم قسمت اعظم راه خود را با اتومبیل پیمودیم، همچنین ناچار شدیم از نقاطی بگذریم که باین زودیها برای عبور اتومبیل مساعد نخواهد بود. در بسیاری از کریمه و این شبه جزیره زیاد دیدن کردیم، در قفقاز باران و برف ما را مدتی متوقف ساخت پس از پرسه زدنهای زیاد در اطراف باطوم ناچار شدیم خود و اتومبیلها با ترن بمسافرت ادامه دهیم ، در ایران هر چند یکی از مسافران ما بیهوده کوشش کرد تا از راه کوههای غیر قابل عبور کوهستانهای فلات ایران که در حدود تبریز می باشد بگذرد ولی ما بوسیله اتومبیل از راه دیگر (راه رشت به تهران) خود را بقم در جوار گنبد طلائی حضرت معصومه خواهر امام رضا که مانند مشهد آرامگاهش مکان مقدسی بشمار میرود رسانیدیم. در قم بعزت فقدان بنزین اتومبیل ناچار شدیم بوسیله دلچانهای ایران از حاشیه کویر بگذریم و خود را به بهشت اصفهان برسانیم .

در حالیکه ششمین هفته مسافرت خود را میگذرانیدیم پس از مشکلات فراوان و تحمل رنجهای گوناگون خود را خیلی دور از شهر پاریس احساس می کردیم علت آن بود اینهمه بدمکانی و فواصلی که رودخانه های بزرگ و موانع طبیعی از قبیل کویرها و کوهستانهای مرتفع بین راه هنگامی که بیاد ما میافتاد خود را خیلی دور از کشور خودمان می دیدیم با اینهمه ما در اصفهان هفته ای فراموش نشدنی زندگانی کردیم .

* * *

دو خانم جوان همراه ما بودند یا صحیح تر گفته باشم ما همراه آنها بودیم شوق و شور و نشاط و شجاعت و اراده و تصمیم آنها ما را بمقصد همراهی

میکرد .

این زنان جوان خود را با لباس راحتی که در عین حال آبرومند بود می‌پوشانیدند و در این سفر آنها شبهائی را که تا صبح یکدم خواب بچشمشان راه نیافته بود شناختند همچنین به اغذیه غیر کافی و امکانه ای که بهیچوجه پاکیزه نبوده خو گرفته زبه‌بادهای سرد قطبی و سوزهای منجمد کننده کوهستانها و گرمای طاقت فرسای ظهر های منطقه کویر که آنها را تا نزدیک مرگ می‌کشاید آشنائی پیدا کردند .

اینک این دو خانم جوان از اصفهان برگشته‌اند وهمه ما از این مسافرت مراجعت کرده ایم .

در مراجعت بفرانسه من عکسهای مسافرت خود را یکی از زنان نام‌آور کشور نشان دادم هنگامیکه وی عکسها را دید فریاد زد :

- اما شما هم هستید ، شما وهمسفران دره‌ریک از عکسها دیده میشوید ، در میان خرابه‌ها و آثار تاریخی ، مناظر و ایرانیها من شما را پیدا میکنم !

- صحیح است و در این کتاب همینطور این عکسها بچشم میخورد و من دوست دارم به خرابه‌ها و آثار تاریخی و مناظر وانسانها که ماسافرین در میان آنها دیده میشویم زندگی بخشم .

در مراجعت به پاریس مردم از من سؤال میکردند :

- آیا بزحمتش میارزید که شما باصفهان بروید .

من پاسخی به شرح زیر میدادم :

جان رینسون از اهالی بیرمنگام که ثروت سرشاری از راه بازرگانی آهن و فولاد اندوخته بود هنگامیکه در گرماگرم کار خود تصمیم به مسافرت گرفت ،

برای او هیچ چیز جالب تر از رشته تجاری خودش نبود که تمام عمرش را بخود مشغول داشته بود و او بمنظور اینکه وضع آهن و فولاد را در بازارهای تجاری دنیا دنبال کند مرتب مسافرت میکرد زیرا این رشته تجارت کار اصلی وی بشمار میرفت. او هنگامیکه بایران رسید پس از خستگی زیاد موفق بدیدار اصفهان گردید روزی او را به بازار اصفهان هدایت کردند وی پس از دیدن آن بازار در دفترچه یادداشت خود چنین نوشت:

وضع بازار آهن و فولاد اصفهان ارزش آنرا که انسان باین شهر مسافرت کند ندارد. این داستان کوتاه نشان دهنده طرز فکر اشخاص می باشد.

* * *

چگونه هفت نفر انسان عاقل تصمیم میگیرند که با اتومبیل با اصفهان بروند؟ هرنس اما نوکل بیسکو تعریف کرد که بر اثر کشش مسافرت با اتومبیل از توین به نیس به دفترچه راهنمایی مسافرتهای دور دست احتیاج پیدا کرد و روی نقشه تا شبه جزیره کریمه پیش راند و با آنکه دفعه اولی بود که محل اقامت خود را ترك میکرد در میان مسائلی که از این دفتر راهنمایی استفاده کرده متوجه شد که يك سرویس کشتیرانی بین سباستوپل و باطوم و قفقاز وجود دارد و این جریان در اول ژانویه ۱۹۰۵ مورد توجه وی قرار گرفت.

بنظر میرسد که نباید از جغرافیا هیچگونه اطلاعی داشت و بهتر است انسان در جهل و نادانی بسر برد و نداند که قفقاز يك کشور کوهستانی قابل تحسینی است که روسها برای آن جاده های زیاد ساخته اند و بیسکو و من هنگامیکه با آهستگی زیاد در روی نقشه قفقاز از جایی بجای دیگر میشدیم و از کنار قله های بلند میگذشتیم و در شهرها باستراحت می پرداختیم روی نقشه به باکو رسیدیم و دریای خزر ما را متوقف ساخت و ما چند روزی در شهر نفت خیز باکو توقف کردیم.

در حقیقت نقشه مسافرت ما تا حدود باکو بیشتر نبود . پس از آن داور تبه بیسکو برای ملاقات من میآید و اینگونه با من مذاکره میکند :

او به من میگوید میدانید رشت کجاست ؟

— رشت در ایران؟

— بله رشت در ایران است .

— خیلی بادرای خزر فاصله ندارد و در جنوب آن .

— تصور میکنید که ما در روی نقشه اینک در باکو هستیم .

— بله گل و شل را در کوجه ها مشاهده میکنم .

— کشتیهای بخاری دوبار در هفته بین باکو و انزلی (پیش بندر رشت) در

رفت و آمد هستند .

قلب من بنای طپیدن را گذاشت .

و ادامه داد که از رشت تا تهران روسها جاده بسیار مساعدی بطول

۳۲۵ کیلو متر کشیده اند که در آن اتومبیل

بیش از این صحبت نکنید و چه موقع عزیمت خواهیم کرد ؟

باید ۳ ماه برای این مسافرت مقدمات فراهم کرد .

در این ایام انقلاب روسیه کم کم شروع میشد ، روزنامه ها اخبار بدی

را منتشر میکردند بخصوص که از جنوب روسیه خبر میرسید در اودسا اعتصاب

عمومی بوجود آمده ، و اودسایکی از مراکز توقف ما در مسافرت آینده خواهد

بود . در سیاستوپل شورش وطنیان کارخانه های فولادسازی را فرا گرفته است .

از قفقاز جز راهزنان که در جاده ها و شهرها مردم را به گلوله می بندند

وحمله و هجوم و قتل عام چیزی بگوش نمیرسد . در همه شهرها حکومت نظامی

اعلام گردیده و انارشسیم در باطوم حکومت میکند و دهقانها درخواست حکومت جمهوری دادند و با این ترتیب برای ما که جهت رسیدن به ایران ناچاریم از قفقاز بگذریم این اخبار چندان دلچسب نیست .

همه روزه روزنامه‌ها دوستون طولانی خود را به اخبار مربوط به روسیه اختصاص میدادند و کافی بود که هیأت ما محلی را در قفقاز برای مسافرت مورد توجه قرار دهد تا بدبختی به آن منطقه فرود آید مثلا اگر قسم مسافرت از راه یالتا داشتیم این نقطه نیز به آتش و خون کشیده میشد ...

مردمان عاقل هنگامیکه می‌شنیدند که ما با اتفاق دو خان جوان عازم ایران هستیم سری می‌چنانندند وزیر لب میگفتند اینها مگر دیوانه شده‌اند . معذک کله ما تصمیم خود را بموقع اجرا گذاشتیم در اولین روزهای آوریل همانسال در بخارست بودیم و از آنجا مسافرت خود را بسوی مشرق زمین آغاز کردیم .

همراهان ما عبارت بودند از :

پرنس ژرژ بیسکو (۱) و درشکار و فرزند بیسکو معروف که از پدر و مادر فرانسوی بوده و همین شخص اخیر در دو جنگ فرانسه و مکزیك و جنگ فرانسه و آلمان (۱۸۷۰) شرکت داشته است . ژرژ بیسکو با زن جوانش که ویرا همراهی میکرد و دختر عموی این خانم بنام مادام میشل فرکید (۲) و پسرش که پسر عموی خانم بیسکو بود از فارغ التحصیلان مدرسه لوئی کبیر بشمار می‌رود . پرنس امانوئل بیسکو که در مسافرت روسیه و قفقاز مسئولیت کاروان را بعهده داشت .

باضافه مکانیسین کِلر (Keller) از اهالی سوئیس و اوژن (Eugen) از فرانسه و ژرژ (Georgi) از اهالی رومانی . فراموش نشود که سه دستگاہ اتومبیل ما را همراهی میکرد يك مرسدس بنز ۲۰ اسب مسل ۱۹۰۴ شاسی کوتاه و روباژ . يك مرسدس بنز ۲۰ اسب ، يك فیات ۶ اسب شکاری .

و اینک عازم کشورهای ناشناخته هستیم و به‌سوی اتفاقات و حوادث پیش

می‌رویم .

(۱) - Prince Georges . v . Bibesco

(۲) Phérékyde